



سعید ایزدی؛ به این ایده رسیده بودیم که می توانیم با ایجاد پلازاهای شهری که در هر کدام از این عرصه ها کار می کنند، قدری به ساماندهی این وضعیت کمک کنیم و به همین خاطر، با استفاده از شبیهی که از میدان تجریش به سمت جنوب می رود، سه میدانگاه در این عرصه شش، هفت هزار متری پیش بینی کردیم؛ یک میدانگاه است که مستقیماً با خود بازار کار می کند، یک میدانگاه اصلی که قدمگاه صالحه نام گذاری شده بود و یک میدانگاه دیگر. این کل طرح ما بود به همراه یک سری دسترسی ها برای افراد دارای معلولیت و افراد پیاده، با پله و رمپ و تجهیزات شهری و یک پوشش گیاهی مناسب که بتواند مجموعه فضای سبز میدان ولیعصر را به میدان تجریش بکشانند و ادامه پیدا کند.

ترافیک به دنبال خیابان کامل می گردد و بسیاری تداخل های دیگر که وجود دارد. تداخل های داخل شهرداری از یک طرف و موازی کاری ها و عدم هماهنگی های بین دستگاه های زیرساختی مثل آب، برق، گاز و مخابرات از طرف دیگر وجود دارد. نابسامانی عجیب و غریبی بر این عرصه شهری حاکم است که به خاطرش حتی نمی توانستیم یک چراغ را از وسط پیاده رو جمع کنیم. دستگاه ها خیلی زیر بار برنامه های همدیگر نمی روند و هر کس کار خود را می کند. هر طرحی که بخواهد بدون هماهنگی با دستگاه هایی که متولی این حوزه هستند به اجرا دربیاید. مشخص است بسیاری از بخش ها ناقص می ماند و با برنامه های دستگاه های دیگر ناهماهنگ می شود و بخشی از وضعیتی که می بینیم ناشی از ناهماهنگی های میان بخشی و برون بخشی است. این ناهماهنگی ها باعث می شود نتوانیم طرحی را که پیش بینی کردیم، کامل اجرا کنیم و به هدف های طرح نرسیم و به همین دلیل، همه اقدامات متوقف می شود.

او ادامه می دهد: دو ماه است دنبال جابه جایی یک دکل هستیم که یک دور بین در زمانی که این زمین ترمینال بوده، روی آن نصب شده و حالا هیچ کاربردی ندارد ولی کارکنان شهرداری موفق نمی شوند این دکل را جابه جا کنند.

#### دستفروشی، سد معبر نیست

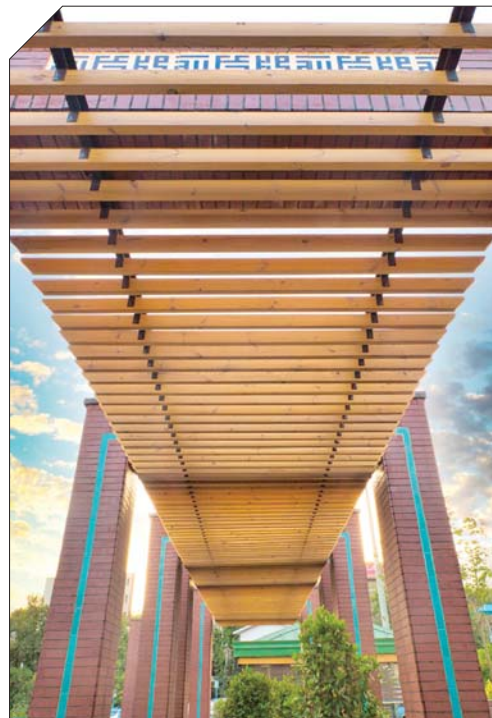
ایزدی در مورد اینکه در طراحی میدانگاه تجریش آیا دستفروشان هم در نظر گرفته شده بودند، می گوید: دستفروشی پدیده ای است که در همه جوامع به عنوان یک عامل سرزندگی در فضای شهری از آن یاد می کنند؛ ولی ما به عنوان سد معبر یا یک عامل مزاحم آن را می شناسیم. پیشنهادمان برای استقرار چنین رویدادهایی بود؛ یعنی میدانگاهی که بتواند رویدادهای مختلف اعم از دستفروشی و سایر رویدادهای فرهنگی و مذهبی را در ایام عید و بقیه مواقع در دل خود جا دهد. چه بخواهیم و چه نخواهیم از ساعت شش و هفت عصر به بعد، دستفروشان کاملاً فضای شهری میدان تجریش را در اختیار خود می گیرند؛ پس یا باید به درستی این پدیده را بشناسیم و برای آن برنامه داشته باشیم یا با آن مقابله کنیم. میدانگاه را ساختیم و وسط آن یک چادر عجیب و غریب برای کتابفروشی زدند که بی ربط است. دو غرفه در میانه میدانگاه طراحی کردیم و ساختیم به عنوان چشم ناظر که تبدیل به کافه شود و باعث سرزندگی باشد و نظامات اجتماعی ایجاد کند. ولی در آن میز و صندلی اداری گذاشتند و شاید بخش اداری شهرداری می خواهد در این میدانگاه شهری مستقر شود. اینها باعث می شود تحقق اهدافی که در ذهن طراح بوده، بعید به نظر برسد. او ادامه می دهد: در همین دوره در منطقه با سه شهردار روبه رو بودیم که هر کدامشان تلقی ها و اولویت هایشان با همدیگر متفاوت بود. در دوره اول اگرچه مدیریت کلان شهرداری و شورا با این امر بسیار موافق بود و به همین خاطر طرحی توسط دکتر ادیبزاده تهیه شد، اما با طرح ها و ایده ها همراهی نمی شد. در دوره دوم با وجود اینکه موضوع از مدیریت کلان خارج شده بود، اما چون شهردار منطقه خودش شهرساز بود و به این موضوع بسیار اهمیت می داد، توانستیم پروژه را تا به اینجا به اجرا درآوریم. در دوره سوم، هم منطقه و هم شهرداری مرکز نه تنها موضوع در اولویت شان نیست، بلکه درک روشنی از مفهوم حوزه شهری ندارند و هر چه می گوئیم باید این پروژه در اولویت قرار بگیرد تا کار ساماندهی را تکمیل و آسیب ها را کم کنیم، هیچ دیالوگ مشترکی نداریم. در کل یک جلسه با شهردار منطقه داشتیم؛ درحالی که در دوره دوم، ما شهردار در محل پروژه حاضر بود و بازرسی می کرد و نظارت داشت یا ما در دفتر شهردار بودیم... این اهمیت زیادی دارد که چقدر مدیریت شهری با این موضوع به لحاظ رویکرد و نگاه و اجرا همراه و همگام باشد. به هر حال، ما این سه مدیریت کوتاه را داشتیم که نتیجه اش به این پلازا ختم شده است.

ایزدی در این باره که «با وجود اینکه ایده اولیه آن طور که باید اجرایی

نشده، آیا از این فضای عمومی استقبال شده است؟» توضیح می دهد: به قدری فضای عمومی در شهر کم داریم که ایجاد حداقل هایش می تواند خیلی مورد اقبال واقع شود. تلاش مان بر این بود که فضا به نحوی استقرار پیدا کند که بتواند به معضلات مجموعه هم کمک کند. در این نقطه کوچک، امامزاده صالح و دو مسجد وجود دارد که متولیان شان هیچ کدام با هم همراه و هماهنگ نیستند و هر کدام کار خود را می کنند. این بخشی از نابسامانی هایی است که دچارش شده ایم. حضور مردم می تواند به حل بخشی از ناهنجاری های اجتماعی در این محل کمک کند. بخش هایی وجود دارد که انتظار می رود حضور بیشتر مردم به بهبود وضعیت شان کمک کند؛ مانند دو غرفه پلازا که هنوز دایر نشده و با وجود تلاش های شهردار سابق، همچنان متروکه است و تا اینها مستقر نشود و مردم نیایند، متکدیان، معتادان و بقیه اتفاقاتی که به بزه منجر می شود در اینجا وجود خواهد داشت. تلاش شان این است که با بستن، مانع ایجادکردن و دیوارکشیدن، حضور این افراد را محدود کنند، اما جریانی نیست که بتوان با روش های فیزیکی مدیریتش کرد.

#### بی توجهی مدیریت شهری به فضای شهری

این طراح شهری در مورد طراحی هایی که برای کاهش آسیب های اجتماعی در این محدوده شده هم می گوید: ما از ایجاد کنج پرهیز کردیم و



تا حدود زیادی مردم در عرصه میدانگاه حاضر هستند و در شب نورپردازی کامل داریم. البته هنوز کنج های زیادی وجود دارد که موجب حضور متکدیان، معتادان و بقیه افراد در این نواحی می شود و رفع این نقایص، همراهی و هماهنگی بین متولیان امر مانند نیروی انتظامی، دستگاه های مرتبط با مدیریت شهری و شهرداری و حتی هیئت امنای سه مرکز مذهبی را می طلبد. تمام تلاش مان این بود که این همراهی را ایجاد کنیم. برای مثال پروژه مان تمام نشده بود، ولی گفتیم شب های قدر بهترین فرصت است و در شب های قدر حتی در حوض ها، آدم نشسته بود و مراسم را در این فضا برگزار می کردند، چون تلاش مان برای همراهی بود؛ اما اینکه یک باره در ایام محرم حوض خون درست کنند و پروژه را به سمت وسوی بکشند که هیچ نظمی در آن نباشد، درست نیست... در وسط میدانگاه شمالی یک چادر زدند و چند روز پیش گفتند می خواهند یک دکل مخابراتی وسطش بگذارند و... این اتفاقات از بی توجهی مدیریت شهری به فضای شهری ناشی می شود. اگر امروز پروژه های را ببینید که شش ماه قبل تحویل دادیم تا افتتاح کنند، کاملاً مشخص است که نسبت به نگهداری آن بی توجهی زیادی شده است. نزدیک یک میلیارد تومان برای پوشش گیاهی آنجا هزینه کردیم و درخت چنار، پوشش گیاهی کوتاه و گیاهان معطر و فصلی آوردیم و کاشتیم، ولی پیمانکاران فضای سبز شهرداری، این پوشش های گیاهی را نابود می کنند تا دوباره به آنها سفارش داده شود. این در حالی است که خودمان این هزینه ها را صرف کرده بودیم و هزینه های مستقیم توسط سرمایه گذار پروژه اعمال شده بود... متأسفانه الان پوشش گیاهی نابود شده چون به گیاهان آب ندادند. نیمکت ها و نورپردازی ها مورد دستکاری قرار گرفته، چراغ ها را شکسته اند و... این یک وضعیت اسفبار و نشان دهنده این است که حتی اگر فضای شهری به وجود بیاید، سیستمی برای مدیریتش وجود ندارد یا مدیریت شهری اساساً به نگهداری این فضاها توجهی ندارد، چه برسد به اینکه برایش برنامه ها و رویدادهایی ترتیب دهد.

او ادامه می دهد: فضای شهری، فضایی است که هم بتواند ظرفیت شبانه روزی داشته باشد و هم رویدادهای مختلف در آن برگزار شود، ضمن آنکه مردم با آن انس بگیرند و بدون اینکه ما کاری بکنیم، مردم در آنجا رویداد برگزار کنند. باید به کیفیت توجه شود، چراکه مردم عاشق کیفیت اند و این کیفیت باید تداوم داشته باشد. وضعیتی که در این شش ماه می بینم، این است که کیفیت این فضا به شدت تنزل پیدا کرده و روندش بسیار تند و تصاعدی است.

به گفته طراحان این پروژه، تجربه خلق عرصه عمومی میدانگاه تجریش واقع در جنوب میدان و در مقابل بازار و امامزاده صالح (ع)، تلاشی برای به وجود آوردن کیفیت هایی درخور شهروندان و زمینه ای برای هم پیوندی عناصر گسسته و نابسامان پیرامونی و همچنین مکانی برای فعالیت های اجتماعی و رویدادهای فرهنگی - مذهبی و فعالیت های تفریحی و گذران اوقات فراغت شهروندان بوده است. علی رغم مشکلات عدیده در تداوم محتوای طرح شده در بخش های اجرایی، تحقق این مرحله از پروژه نویدبخش اصلاحات و تغییراتی بر اساس آموزه های حاصل از این تجربه در سایر مراحل طرح و همچنین سایر تجارب مشابه است.